گزارش

نیره ساری

محمد مهاجری، حقوقدان در گفت‌وگو با «جوان» مغایرت‌های قانونی ممنوعیت اشتغال دانشجویان دکترا را تشریح کرد

ممنوعیت اشتغال دانشجویان دکترا صراحتاً مغایر با قانون اساسی بود

طبق تصمیم دیوان عدالت اداری، ممنوعیت اشتغال دانشجویان دکترا در خارج از اوقاتی که موظف به حضور در دانشگاه هستند، مغایر با قانون شناخته و باطل شد.

شورای عالی برنامه‌ریزی علوم پزشکی تیرماه ۱۳۹۷ تحصیل در مقطع دکترا (ph. D) را تمام وقت دانست و هر گونه اشتغال غیر از تحصیل برای دانشجو را ممنوع کرد. این مصوبه تا جایی سختگیری کرده بود که عدم‌اشتغال دانشجو باید در زمان ثبت‌نام احراز می‌شد. همچنین افراد شاغل ملزم به ارائه مأموریت آموزشی یا مرخصی بدون حقوق بودند، حتی اگر در هر مرحله‌ای از تحصیل مشخص می‌شد اطلاعات ارائه‌شده از سوی دانشجو در مورد وضعیت اشتغال نادرست است، قبولی فرد لغو و از ادامه تحصیل وی جلوگیری می‌شد. کم نبودند دانشجویانی که در این مدت اخراج شده بودند! این مصوبه مورد شکایت برخی دانشجویان قرار گرفت و به دیوان عدالت اداری ارجاع داده شد. در شکایت مطرح شد که هزینه ۴میلیونی در نظر گرفته‌شده برای دانشجویان دکترا بدون حق اشتغال با توجه به خط فقر ۱۴میلیون تومانی، این افراد را برای تأمین هزینه‌های زندگی با مشکل مواجه کرده است، به خصوص که بیشتر دانشجویان مقطع دکترا، متأهل بوده و ناچار به اشتغال هستند. تلخی ماجرا تا جایی بود که دانشگاه علوم پزشکی کرمان اسامی دانشجویان دکترای شاغل را به وزارت بهداشت ارسال کرد و خواستار اخراج آنها شد. این درخواست مورد اعتراض دانشجویان و وساطت وزارت بهداشت قرار گرفت، اما در نهایت دانشگاه تصمیم گرفت دانشجویان دکترای شاغل ورودی ۱۳۹۸ و بعد از آن را اخراج کند. مدیر کل حقوقی و تنظیم مقررات وزارت بهداشت در پاسخ به این شکایت گفت: دوره دکترای تخصصی (ph. D) یکی از بالاترین مقاطع تحصیلی آموزشی دانشگاهی است که به اعطای مدرک می‌انجامد و این مقطع مجموعه‌ای از فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و فناوری است. به دلیل اهمیت این مقطع تحصیلی و مسئولیت‌های دانشجویان دکترا در زمینه آموزش دانشجویان مقاطع تحصیلی پایین‌تر و فعالیت‌های پژوهشی، هر گونه اشتغال غیر از تحصیل برای این دانشجویان ممنوع اعلام شده است. هیئت عمومی پس از بررسی این شکایت و پاسخ وزارت بهداشت تصریح کرد که تحصیل حقی بنیادین برای عموم شهروندان بوده و منع آن فقط با مجوز قانونی امکانپذیر است. همچنین بر اساس اصل ۲۸ قانون اساسی، هر کس حق دارد شغلی را که مایل است و مخالف اسلام، مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، انتخاب کند. در ادامه حکم دیوان آمده است که آیین‌نامه آموزشی دوره دکترای تخصصی (ph.D) مصوب تیرماه ۱۳۹۷ از جهت ایجاد ممنوعیت اشتغال برای دانشجویان مقطع دکترا در زمان‌هایی که موظف به حضور در دانشگاه نیستند، خارج از حدود اختیار مرجع تصویب‌کننده آن است، چراکه مانع اشتغال دانشجویان به مشاغلی می‌شود که تعارضی با تحصیل تمام وقت آنها در مقطع دکترا ندارد، به همین دلیل خلاف قانون شناخته شده و ابطال می‌شود. دکتر محمد مهاجری، حقوقدان و وکیل پایه یک دادگستری در گفت‌وگو با خبرنگار «جوان» به جزئیات این حکم و تطابق آن با قانون اساسی اشاره کرده است که در ادامه می‌خوانید.

در خصوص ابطال مصوبه مربوط به ممنوعیت اشتغال دانشجویان دکترا اتفاق خوبی به لحاظ حقوقی افتاده است. دادنامه ۱۰۳۶ مورخ هشتم شهریور ۱۴۰۱ از طرف هیئت عمومی دیوان عدالت اداری بند یک ذیل ماده ۵۰ آیین‌نامه آموزشی دوره دکترای تخصصی PHD مصوبه شصت‌ونهمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی علوم پزشکی مورخ ۹۷/۴/۲۴ را ابطال کرد. بند یک شامل قواعد و مقررات دست‌وپا گیر بود و مشکلات بسیاری را برای دانشجویان دوره دکترا ایجاد می‌کرد. دانشجویان محصل در دوره تحصیلات تکمیلی عمدتاً ازدواج می‌کنند و دارای فرزند می‌شوند و باید وارد عرصه کار شوند، حتی اگر دانشجو وارد عرصه کار اقتصادی نشود یا به استخدام دولت درنیاید، به هر حال ممکن است که دانشجو برای فعالیت‌های خود در نهادهای پژوهشی یا پژوهشکده‌ها و اندیشکده‌ها مشغول کار شود و حقوق دریافت کند، بر همین اساس این مصوبه و بند ابطال شده ممنوعیتی نامعقولی را ایجاد کرده بود.

طبق بند یک ذیل ماده ۵۰ اشاره شده بود که تحصیل در مقطع دکترا تمام‌وقت است و دانشجو حق اشتغال به کار ندارد، در حالی که در عمل دوره دکترا به لحاظ مدت‌زمانی که از دانشجو می‌گیرد شاید در طول هفته دو روز باشد، به این صورت که حتی تمام‌وقت هم نیست و در واقع ۲/۵ روز است که همین زمان کوتاه به دانشجو امکان فعالیت پژوهشی هم می‌دهد و می‌تواند از این وقت برای برگزاری کلاس‌های آموزشی یا سمینار استفاده کند، به خصوص بعد از اتمام دوره آموزشی و شروع دوره پژوهشی که همزمان با دوره تصویب رساله می‌شود، در عمل حضور دانشجو در دانشگاه به صفر می‌رسد و باید مشغول پژوهش باشد و رساله دکترای خود را به نگارش درآورد. تحصیل در دوره دکترا گاهی پنج سال به طول می‌انجامد و با توجه به ممنوعیت اشتغال مشخص نیست که هزینه‌های معیشت این فرد چگونه تأمین شود! یک دانشجوی حدوداً ۲۵ تا ۳۰ ساله خود باید کار کند و هزینه‌ها را تأمین کند.

> طبق بند یک ذیل ماده ۵۰ اشاره شده بود که تحصیل در مقطع دکترا تمام وقت است و دانشجو حق اشتغال به کار ندارد، در حالی که در عمل دوره دکترا به لحاظ مدت‌زمانی که از دانشجو می‌گیرد شاید در طول هفته ۲/۵ روز است که همین زمان کوتاه به دانشجو امکان فعالیت پژوهشی هم می‌دهد و می‌تواند از این وقت برای برگزاری کلاس‌های آموزشی یا سمینار استفاده کند

مهاجری در ادامه تحلیل خود از ایرادات این مصوبه توضیح می‌دهد: این مصوبه به لحاظ منطق حقوقی مورد حمایت دانشجوها نبود و حتی به لحاظ عملی بسیاری از دانشجویان مشغول کار بودند اما اعمال فشار به افرادی بود که در ارگان‌های دولتی مشغول کار بودند و مرخصی بدون حقوق نمی‌رفتند و مأموریت آموزشی دریافت نمی‌کردند و همچنان در حال تحصیل بودند و در بسیاری از موارد دانشگاه این افراد را اخراج و حتی در محل کار با آنها برخورد انضباطی می‌کرد.

طبق گفته‌های وی این قانون تأثیری بر کیفیت تحصیلی دانشجویان نخواهد داشت و فراغت بیشتر و کیفیت بهتر درس خواندن یک نگاه ظاهری است.

مهاجری به مغایرت‌های قانونی مصوبه اشاره داشت و تصریح کرد: ممنوعیت اشتغال با حق تحصیل و حق اشتغال که به صورت مشخص در قانون اساسی آمده در تعارض و تقابل بود. جای خوشحالی است هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در رأی خود اعلام کرده است به موجب بندهای مرتبط در قانون اساسی و به رسمیت شناختن و اساسی‌سازی حق بر تحصیل، فرد می‌تواند تحصیل کند. افزون بر این دستگاه‌های دولتی باید خرسند باشند که نیروی کار آنها قصد ادامه تحصیل دارد و درصدد افزایش دانش خود در عرصه اشتغال مورد نظر است.

از سوی دیگر طبق اصل ۲۸ قانون اساسی هر کس می‌تواند شغلی داشته باشد که خلاف مبانی اسلام یا حقوق عمومی نباشد، در نتیجه جواز اشتغال جزو اصول معتبر و مبانی قانون اساسی است و اعمال هر نوع ممنوعیت برای دانشجویان دکترا نیازمند قانون و قانونگذاری است. این ممنوعیت، سلب کردن حقوق اساسی اشخاص است، البته باید تأکید کرد چالش‌های قانونی دانشجویان زیاد بوده و با همین قانون بسیاری از دانشجویان اخراج شدند، در نتیجه حذف این قواعد کمک می‌کند دانشجو در عین تحصیل و اشتغال به ارتقای علمی کشور کمک کند.

این حقوقدان قوانین و قواعد دوره دکترا را نیازمند پالایش دانست و در همین رابطه خاطر نشان کرد: اگر می‌خواهیم به لحاظ معیشتی کمکی پرداخت شود، باید متناسب با شرایط اقتصادی باشد و کمک هزینه ۴میلیون تومانی به لحاظ حقوقی هم مبنایی ندارد.

به اعتقاد محمد مهاجری دیوان عدالت اداری در موارد متعدد اثبات کرده است به حقوق مردم و شهروندان اهمیت می‌دهد.

بررسی حق حاکمیت ایران در اسناد بین‌المللی

چرا حدنگاری جزایر سه‌گانه انجام شد؟

مسعود ستایشی، سخنگوی قوه قضائیه از صدور سند رسمی برای جزایر سه‌گانه خبر داد و گفت: دستگاه قضایی اقدامات مؤثر و قاطعی در جهت تثبیت مالکیت رسمی جزایر تنب کوچک و بزرگ و ابوموسی انجام داده است. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور برای این سه جزیره به نام دولت جمهوری اسلامی ایران سند رسمی مالکیت صادر کرده است. فاطمه عسگری‌نژاد، داور دعاوی و پژوهشگر ارشد حقوق بین‌الملل توضیحات جامعی را درباره حق حاکمیت ایران در اسناد بین‌المللی و نیز حدنگاری جزایر به «جوان» ارائه کرده است که در ادامه می‌خوانید.

حدنگاری (کاداستر) فهرست مرتب‌شده اطلاعات مربوط به قطعات زمین است که مشخصه‌های زمین مانند اندازه، کاربری، مشخصات رقومی، ثبتی یا حقوقی به نقشه بزرگ مقیاس اضافه شده است. مطابق تعریف فدراسیون بین‌المللی نقشه برداری (افای جی): حدنگاری (کاداستر) فهرست مرتب‌شده‌ای از اطلاعات مربوط به قطعات زمین است که در داخل مرزهای جغرافیایی یک کشور است و به طور رسمی به ثبت می‌رسند.

بر اساس طرح کاداستر ایران (اولین بخشنامه سازمان ثبت متعلق به سال‌های ۱۳۳۴، ۱۳۶۸ و ۱۳۷۴ و قانون جامع حدنگار مصوب ۱۳۹۳) دستگاه‌های مرتبط ملزم به تهیه و ثبت اطلاعات مربوط به مشخصه‌های زمین از جمله مشخصات جغرافیایی و حقوقی جهت صدور سند مالکیت شدند. توجه به سیستم‌های مدیریتی زمین و تهیه کاداستر یکی از شاخصه‌های توسعه کشور و اثبات مالکیت به عنوان عامل پیشگیرانه و جلوگیری از فساد و دست‌اندازی دیگران نسبت به اموال غیرمنقول است و مجامع بین‌المللی از جمله سازمان ملل و بانک جهانی در فهرست راهکارهای توسعه و اولویت برنامه‌ریزی کشورها قرار داده‌اند.

خلیج فارس حدود ۱۳۰ جزیره دارد که تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی از جمله آنها هستند. از زمان‌های پیش، تابعیت اکثریت جمعیت جزایر، ایرانی و به نام قوم‌های معروف ایرانی منتسب بوده‌اند و مطابق قانون ۱۳۰۴ احوال شخصیه ایران، تمامی ایرانیان ساکن در سرزمین‌های ایران از جمله جزایر مزبور، دارای تابعیت ایرانی بوده و شناسنامه ایرانی اخذ کرده‌اند. دولت استعماری بریتانیا طی سال‌های ۱۹۰۳ تا ۱۹۷۱ با استناد به سه اصل حقوقی «سرزمین بلاصاحب»، «مالکیت مشاع» و «قاعده مرور زمان» و با انگیزه غارت اندوخته‌های ملی و زیرزمینی ایران، منطقه خلیج فارس و جزایر سه‌گانه، تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی را اشغال کرد. در حقوق بین‌الملل عنوان شده است اگر کشوری بر سرزمینی سلطه پیدا کند، با این شرط که آن سلطه بدون چالش و اعتراض باشد، آن دولت می‌تواند مدعی حاکمیت بر آن سرزمین باشد، زیرا اعتراض یک کشور و وجود مدعی دیگر مانع از حاکمیت بر آن می‌شود. بر این مبنا، درباره جزایر سه‌گانه باید گفت که دولت ایران از همان آغاز اشغال، اعتراض کرده است؛ امری که چندین بار با یادداشت‌های دیپلماتیک و اقدامات عملی از دوران مظفرالدین شاه قاجار تکرار شده و ایران بر حق حاکمیت تاریخی خود تأکید کرده است.

در نقشه ترسیم‌شده وزارت جنگ انگلیس و وزارت خارجه انگلیس در نامه مورخه ۱۸۸۸.م که به وزارت خارجه ایران ارسال داشته، جزایر تنب، ابوموسی و سیری جزو خاک ایران تعیین و این جزایر به رنگ خاک داخل ایران ترسیم شده‌اند.

> اسناد تاریخی نشان می‌دهد جزایر ابوموسی و تنب از زمان‌های قدیم جزو قلمرو ایران بوده‌اند. این جزایر در سده‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی به صورت مستقیم، تحت صلاحیت و ولایت لنگه که خود بخشی اداری از استان فارس بود، اداره می‌شد

اولین قانون که درباره حق حاکمیت بر دریاها وضع شد، قانون «تیررس توپ» بود که در سال ۱۷۰۲.م وان بینکر شوک، قانونگذار هلندی آن را پیشنهاد کرد. به نظر وی، اگر چه دریا متعلق به همه ملت‌هاست، ولی هر کشوری به اندازه تیررس توپ، باید بر آب‌های ساحلی خود حاکمیت داشته باشد. این قانون بیشتر هدف پدافندی داشت و به ویژه از نظر دولت انگلستان جهت جلوگیری از تهدید دزدان دریایی، دارای اهمیت بود. پس از انتقاد برخی دولت‌ها، برخی کشورها عرض آب‌های سرزمینی خود را از سه تا شش مایل و حتی ۱۲ مایل افزایش دادند. جامعه ملل در سال ۱۹۳۰.م جهت جلوگیری از این هرج‌ومرج‌ها و قلمروطلبی بیش از حد کشورها بر سر آب‌های سرزمینی، کنفرانس حقوق دریاها را برگزار کرد، سپس بر اساس سه کنوانسیون، سازمان ملل متحد در سال‌های ۱۹۵۸.م و ۱۹۶۰.م در ژنو و در سال ۱۹۸۲.م در شهر مونتیگوبی (جامائیکا)، عرض دریایی سرزمینی بین حداقل سه و حداکثر ۱۲ مایل دریایی تعیین شد.

با توجه به این قانون، تمامی آب‌های بین جزایر قشم، لارک، هرمز، هنگام و لاوان، با بدنه کشور یکی شده و جزو آب‌های داخل محسوب می‌شوند. این موضوع در اسناد سازمان ملل ثبت و نگهداری شده است، بنابراین اگر از آخرین حد جزر از جزیره قشم، عرض دریای سرزمینی را تا ۱۲ مایل ادامه داده و از طرف تنب بزرگ هم به طرف قشم ۱۲ مایل ادامه دهیم، در واقع فاصله این دو جزیره، کمتر از ۲۴ مایل است. همین امر در مورد تنب کوچک و ابوموسی نیز صادق است و دریای سرزمینی ایران، به صورت یکپارچه تا ۱۲ مایلی جنوب جزیره ابوموسی ادامه دارد.

اسناد تاریخی نشان می‌دهد جزایر ابوموسی و تنب از زمان‌های قدیم جزو قلمرو ایران بوده‌اند. این جزایر در سده‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی به صورت مستقیم، تحت صلاحیت و ولایت لنگه که خود بخشی اداری از استان فارس بود، اداره می‌شد. شواهد حاکمیت ایران بر این جزایر، در اسناد رسمی، اسناد تاریخی، کتابچه‌های راهنمای دریانوردی، سالنامه‌ها، نقشه‌های سیاسی و کارتوگرافیک، گزارش‌های رسمی و اداری وزارت خارجه انگلیس و اداره امور هندوستان بریتانیا، در طول سده‌های هفدهم و هجدهم و قرن نوزدهم به چشم می‌خورد. جزایر ابوموسی و تنب، در نقشه لرد کرزن، در تاریخ ۱۸۹۲.م و نقشه اداره مساحی هندوستان، به تاریخ ۱۹۸۷.م و کتابچه‌های راهنمای دریانوردی در خلیج فارس چاپ ۱۸۶۴.م و گزارش‌های دولت انگلیس، در سال‌های ۷۶_۱۸۷۵.م، به عنوان قلمرو ایران درج شده‌اند.

همچنین در دسامبر ۱۹۴۸.م سر. ای. بکت مشاور حقوقی وزارت خارجه انگلیس طی بررسی و اعلام نظر نسبت به وضعیت حقوقی جزایر تنب و ابوموسی اظهار کرد: ایران طی سال‌های ۱۸۸۷-۱۸۸۰.م بر جزایر تنب و ابوموسی حاکمیت داشته و از آنجا که این جزایر، به طور تاریخی مانند کیش و قشم، آباد و مسکونی بوده است، احراز حاکمیت بکت، سندی است که خود انگلیسی‌ها ارائه کرده‌اند. با توجه به اینکه قدیمی‌ترین سند مکتوب و تأیید شده درباره حاکمیت ایران و براساس اصل استاپل که خاستگاهش حقوق انگلوساکسون و کامن لا و از اصول کلی پذیرفته شده و عامل ثبات روابط بین‌المللی و جلوگیری از بی‌نظمی در حقوق بین‌الملل می‌باشد؛ قاعده‌ای که ناشی از استاپل حقوقی یا ناشی از رفتار و مبتنی بر انصاف باشد، از طرح دوباره دعوی منع شده است (قاعده عدم‌استماع انکار بعد از اقرار در حقوق ایران) و با توجه به پذیرش حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه، دولت انگلیس نمی‌تواند پذیرش قبلی خود را نقض یا منع کند، بنابراین مثبت حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه بوده و بنا بر اسناد تاریخی، حقوقی و بین‌المللی مالکیت ایران بر سرزمین‌های داخلی محتوم و قطعی است.

محیط‌زیست

یک قانون خوب مغفول‌مانده مورد استفاده قرار گرفت

درس عبرت برای دشمنان طبیعت

گندم زمانی

همه ما کم و بیش شاهد پرت شدن زباله از خودرو به بیرون هستیم، به خصوص ته سیگارهایی که دشمن طبیعت هستند. آیا می‌دانید که مطابق قانون، اگر مأموران پلیس راهنمایی و رانندگی خودرویی را مشاهده کنند که از داخل آن زباله‌ای به بیرون ریخته می‌شود، حق جریمه و اعمال قانون این خودرو را دارند؟!

در واقع قانونگذار بهترین ابزار برای جلوگیری از این عمل را اعمال قانون دانسته است تا از محیط زیست حمایت کند اما کمتر مواقعی شاهد آن بوده‌ایم یا حداقل از دیگران اعمال چنین جریمه‌هایی را شنیده‌ایم. در خبرها آمد که با راننده‌ای که زباله را به بیرون پرت کرده برخورد شده است. احسان باقری‌پور، سرپرست پارک ملی خشکی-دریایی بوجاق کیاشهر از معرفی فردی که از داخل خودرو زباله به خیابان پرتاب کرده بود، خبر داد و گفت: پس از انتشار فیلمی در فضای مجازی مبنی بر اینکه فردی زباله‌ها را از خودروی خود در خیابان اصلی پرتاب می‌کرد، با پیگیری‌های اداره حفاظت محیط زیست و دستور رئیس حوزه قضایی بندر کیاشهر وی به مراجع قضایی احضار و محکوم به جزای نقدی شد.

وی افزود: جرایمی از این دست تهدید علیه بهداشت عمومی است و برابر با ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی و با عنایت به ماده ۲۰ قانون مدیریت پسماند جرم محسوب می‌شود.

افزون بر این طبق ماده ۲۰۶ آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی مصوب ۱۳۸۴ ریختن شیشه، بطری، میخ، سیم، حلبی، مایعات لزج و چرب، نخاله‌های ساختمانی و زباله، مصالح ساختمانی، شست‌وشوی وسایل نقلیه، ایجاد موانع و به طور کلی هر عملی که باعث سد راه و ایجاد خطر و انحراف وسایل نقلیه از مسیر حرکت باشد، روی راه‌ها، شانه جاده‌ها و حریم قانونی آنها ممنوع است. این ماده قانونی در ادامه می‌افزاید: همچنین ریختن هر گونه زباله، ضایعات و اشیا، آب دهان و مانند آن از درون خودرو به وسیله راننده یا سرنشینان ممنوع است. سال ۱۳۸۶ نیز «طرح ساماندهی راهکارهای حقوقی و اجرایی برخورد با متخلفان پخش، دفع، حمل و امحای غیرمجاز و نامناسب پسماندها در فضاها و معابر عمومی شهر» به تصویب رسید. بر اساس این طرح رانندگانی که از خودروها زباله در شهر پرتاب کنند تا سقف ۳۵ هزار تومان جریمه می‌شوند. همچنین جرایمی برای تخلیه زباله در محل‌های غیرمجاز و نیز راننده‌های زباله‌ریز تعیین شده است.

طبق آنچه در جدول جرایم رانندگی سال ۱۴۰۱ آمده است پرتاب کردن یا ریختن ضایعات، زباله، اشیا، آب دهان و بینی و امثالهم از وسیله نقلیه به سطح معابر مشمول جریمه ۳۰ هزار تومانی است. شهروندانی که در یک جامعه زندگی می‌کنند باید بدانند در قبال حقوق شهروندی که به آنها تعلق می‌گیرد، چه تکالیفی دارند. یکی از مهم‌ترین تکالیف شهروندان رعایت نظافت و پاکیزگی شهر و به عبارت بهتر جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کنند. این خود شهروندان هستند که باید مکلف به رعایت پاکیزگی محیط زیست باشند اما در نهایت شکسته شدن قفل اعمال قانون و در نظر گرفتن جریمه در این زمینه برای افرادی که به درستی به تکالیف و وظایف‌شان عمل نمی‌کنند، ضروری به نظر می‌رسد.

گشت مجازی

حامد نیکونهاد، استاد یار دانشگاه قم در توئیتی درباره روز اربعین نوشت: در زیارت اربعین می‌خوانیم: وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فیکَ لِیَسْتَنْقِذَ عِبادَکَ مِنَ الْجَهالَةِ وَحَیْرَةِ الضَّلالَةِ (و جانش را در راه تو بذل کرد تا بندگانت را از جهالت و سرگردانی گمراهی برهاند.) جامعه اربعین‌ساخته اهل تعقل و خردورزی است. قضاوت‌های عجولانه احساسی (حتی نسبت به سوءتدبیرها)، تیر در تاریکی است که فقط گمراهی را عاید ذهن‌های پریشان می‌کند. دستگاه حکمرانی برای راهبری مردم، هم باید عاقلانه رفتار کند و هم خردورزی را تعمیق بخشد. حکمرانی عقل‌مدار، با راه‌زنان آزاداندیشی (هرچند در لباس روشنفکرمآبی) مبارزه می‌کند، اسیر جوزدگی و هوچی‌گری رسانه‌ای نمی‌شود و با شیوه‌های مردم‌مدار و مردم‌بنیاد تصمیم‌گیری و شفافیت حداکثری و آگاهی‌افزایی مستمر، ساختن سرنوشت را به دستان صاحبان حق می‌سپارد.

حسین صارمی کاربر توئیتری با انتشار عکسی از حمید نوری نوشت: شده یک روز خودتان را در اتاقی حبس کنید، ببینید چه مشقتی دارد؟ حمید نوری هزاروصدمین روز را در زندان انفرادی سوئد مهد حقوق بشر گذراند.

محمدهادی ذاکرحسین، دانش‌آموخته حقوق کیفری بین‌المللی از دانشگاه تیلبرگ هلند و مدیر مرکز حقوق کیفری بین‌المللی ایران در توئیتر خود با انتشار عکسی نوشت: صهیونیست‌ها فقط به سرزمین تجاوز نمی‌کنند و تنها خاک را به اشغال درنمی‌آورند، بلکه به حریم فرهنگ و باورها نیز یورش می‌برند، این آزادی مذهب‌سوزان و مداراستیز.

سیدامیر سیاح با انتشار عکسی از دادگاه زورگیر خیابان نیایش نوشت: سزای زورگیر قمه‌کش، اعدام است. سزای انحصارگر یقه سفیدی که راه شغل و درآمد جوان‌ها را بسته چیست؟ تقریباً هیچ.

محمد فراهانی سردبیر خبرگزاری میزان در رشته توئیتی تأمل‌برانگیز نوشت: جزئیات جدید از پرونده باند قاچاق انسان که دختران ایرانی را به مراکز فحشا در اربیل عراق می‌فروختند. زهرا صدیقی (ساره) و الهام چوبدار دختران را در ارومیه و نقاط دیگر ابتدا برای سفر به اربیل ترغیب و سپس از طریق روسپیگری آنها را به منبع درآمد خود تبدیل می‌کردند. سهیلا مرتضایی در آرایشگاه زنانه‌ای به نام «خاتون ایرانی» اقدام به تشکیل شبکه قوادی کرده بود و در ازای نگهداری از دختران و قوادی، ۵۰درصد از مبلغ دریافتی از فساد را دریافت می‌کرد. نفر چهارم این باند فردی به نام علیرضا فرجادکیاست. وی در ابتدا با زنی به نام دلارام یکی دیگر از سرشبکه‌های قوادی در اربیل ارتباط برقرار می‌کند و به دلیل تسلط به زبان‌های عربی، کردی و ترکی استانبولی دختران ایرانی را در اختیار مراکز فحشا و افراد خارجی قرار می‌داده.

مهدی کشت‌دار در همین باره نوشت: زهرا صدیقی و الهام چوبدار با همدستی فردی به نام سهیلا مرتضایی که از او به عنوان یکی از اولین و قدیمی‌ترین سرشبکه‌های سازمان‌یافته فساد یاد می‌شود، قربانیان را از سراسر کشور به دام انداخته و به مراکز فساد و فحشا در یکی از کشورهای منطقه می‌بردند. مرتضایی شبکه قوادی داشته است.